

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
چارم اکتوبر ۲۰۰۸

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم

این سروده را خدمت آن عده نیمچه ملاهای کامل نما ، و تعدادی از جهلای عالم و فاضل نمای عقب گرا ، که همیشه به خاطر کسب شهرت ، منفعت شخصی و باز نگهداشتن دکانهای خود ، واقعیت ها را با ابرهای تیره و تاریک ضلالت و جهالت ، و احجاب و استار تعصب و کینه توزی و خودخواهی مستور ، و به هر دوغی مگس گشته ، از خود روایات بی شرمانه مخالف شریعت ، شرافت ، اخلاق انسانی و نیز مخالف علم و روشنگری و خرد گرایی که بافته و ساخته و پرداخته باداران متعصب نظر تنگ خود فروخته های شان میباشند ، به مردم بیچاره صادق ، پاک طینت و مظلوم ، ماهرانه حکایت و روایت نموده به نام اساسات و جوهر دین تحمیل می نمایند ، و تعدادی دیگری از این قماش ، بر علاوه ، اشعار شعرای نامدار را با جفنگیات خود ارتباط داده از **فیل ، قیل** و از **محرم ، مجرم** می سازند چنانچه چندی قبل در برنامه های تلویزیونی که به سطح جهانی پخش میگردد ، یکی از این ملاگک ها در معنی این بیت (لسان الغیب حافظ شیرازی علیه رحمه) که **(پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت +++ ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم)** چرندیات و پرندیات جاهلانه ارائه و همچنان یکی دیگری ازین نیمچه ملاهای کامل نما و کوک شده ، به خاطر خرید و اعمار مسجد جدید ، (فند ریزنگ) ، کمک های نقدی ، خیرات ، صدقات ، فدیات ، زکات ، فطر ، روزه ، امانت داری و درباره نتیجه آنها در روز آخرت ، و خصوصاً راجع به نصب کردن بیرق ها در مقعد یک تعداد انسانهای گنهکار ، در افشانی هائی کرده اند ، تقدیم میدارم امید که این گروه از مقابل چشم های وجدان خود هر مانعی را شرافتمندانه حرق و خرق نموده به جای بهتان و دروغ های شاخدار و واهمات دمدار که سبب و علت گمراهی اذهان عامه میگردد به واقعیت گویی بپردازند.

پلخمان سیاست

ای ملاگک ! تا بکی ، غمبُر چو کفتر میکنی
کاسبی از دین و ، از نام پیمبر میکنی
در پلخمان سیاست ، سنجل دینی ، چرا ؟
غولک تزویر خود را سوی مادر میکنی
از برای شهرت و ، نام و ، مقام و منزلت
هر حدیث و آیه را ، باهم برابر میکنی
یا که با جنگ حدیث و آیه ، بهر نفع خود
دشمنی با خواهر و ، هم با برادر میکنی

خود فروشی تا بکی در کار فرهنگ و ادب
شعر حافظ ، معنی و تفسیر دیگر می‌کنی
آنکه رضوان را عوض با **گندمی** کرد و فروخت
از **جَو** فرزند او ، هر ماده را ، نر می‌کنی
رو ، ز حافظ بیت اول را بخوان و فکر کن
ورنه از تقدم به خود هر خیر را ، شر می‌کنی
بر سستیژ خود نمایی ، وعظ های با نمک
(چون به خلوت می روی ، آن کار دیگر می‌کنی)
خون مظلوم و یتیم و بیوه زن را روز و شب
شُپ به مانند ، شراب ناب احمر می‌کنی
من اگر جامی بنوشم ، شیر انگور است و بس
لایک تو از خون ملت ، جام و ساغر می‌کنی
مستی ما ، از رگ تاک است و ، نه از خون خلق
با پلنگ و گرگ ، آهورا ، برابر می‌کنی
چون کفن کشها ، لباس مخملینی بر تنت
جامه تدبیر را ، پالان هر خر می‌کنی
دوستانت هر طرف بنشسته با ، کشکول غار
با هزاران مکر و حيله ، جمع دالر می‌کنی
(فند ریزنگ) های فطر روزه و زکات را
بهر تعمیر مساجد ، جمع یکسر می‌کنی
ابتدا کمک به مسکین و غریبان وطن
موتر حق گوی را ، با خدعه پنچر می‌کنی
بیوه زنها و یتیمان ، احتیاج لقمه نان
حرف از ایشان هر که گوید ، گوش را کر می‌کنی
حال می آید زمستان ، بر غریبان ، خانه کو
نان خشک و قاق را ، در اشک شان تر می‌کنی
نه زغال و چوب و نه ، نان و لباس و سرپناه
فقر و بدبختی ایشان ، صد برابر می‌کنی
پُر شدی از مُد انگلیس و عرب ، دکان دین
جامه تدلیس رنگارنگ ، در یر می‌کنی
این **تعرض های جنسی** ، ارمغانی از شماست
در حصول قرض خود ، برپا محشر می‌کنی
میدهی فتوا ، به تکفیر همه روشنگران
خود جنایت بدتر از ، هر کفر و کافر می‌کنی
میدهی فتوا که هر کس ، پول مسجد را خورد
روز محشر ، پرچمی در **مقدش** در می‌کنی
با چنین حرفی که دور از منطق و علم و خرد
آن خدای مهربان را ، مار و اژدر می‌کنی
« نعمتا » این فتنه و آشوب ، باریش ملا
ارتباطی دارد و ، دانم که باور می‌کنی